

حافظ را کمتر کسی است که نشانسد، شهرتش جنبه جهانی دارد و نام او برای اراده ان نامی کاملاً آشناست و اغلب آنها از اشعار او باتی را از بارند.

انتخاب تخلص «حافظ»، حکا ت از ذوق هنری و تعلق خاطر سرا نده، به قرآن و مفاهی مملوکتی آن دارد. پ وند عشق و عرفان حافظ را موفق کرد تا از ترک ب ۱ ن دو عنصر مجموعه ای شگفت انگ ز و دلپذ ر بوجود آورد.
در غزا ات حافظ، علاوه بر عشق الهی که سرچشممه عرفانی دارد، موارد بس اری درباره عشق انسانی و نشانه های آن افت می شود. در ۱ نتگونه از غزلها آشکارا از اندام آدمی: چشم، ابرو، خال، زلف، لب لعل و خصوص ات جسمانی و مادی صحبت می شود و سرا نده آن را به صورت ک ارتباط منطقی با محبوب از لی مرتبه می سازد، ۱ ن عشق انسانی در نها ت منجر به عشق الهی می شود.

در تعریف عشق آمده است که: عشق بر دوگونه است، کی احساسات و عواطف و محبت انسانها نسبت به کد گر که آن را عشق مجازی می‌گویند و دیگری عشق به پروردگار جهاز این که آنرا عشق حق قی گویند و در این مقال می‌خواهیم بدانیم که عشق به حضرت پامبر، صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ خاتون طاهر شن در کدام کتاب از این دو تعریف می‌گنجد، در این باره از پامبر اکرم، صلی اللہ علیہ وآلہ وسیده، نقل است که: «هیچ بنده ای مؤمن ذست تا نکه من نزد او از زن و فرزند و مال و همه مودم محبوب تر باشم.» و در رواۃ تی آمده است: «از خودش».¹ و در حد ثالث دیگری می‌فرماید: «خدای را به خاطر نعمتها که به شما داده دوست بدارد و مرا به خاطر دوستی خدا!».²

حاصل آنکه دوستی و محبت به او را ای حق همان مسأله محبت به خداست، عشق ورز دن به اهل ب مت، علی السلام، همان عشق ورز دن به مقام ربوی مت است و در حقة قلت دوستی اهل ب مت، علی هم السلام، حکم پلی را دارد که عاشق را به سوی حق و حقة قلت هدایت می کند.

حافظ ذ ذ سرمنشأ عشق و راه وصل را در جمال ارجستجو می کند و جمال ارجا بازتاب جمال حق در عرصه آفر نش می داند. طی این سلوک وجود روح افزایی محبوب به عاشق Δ اتی دوباره می بخشد و اثر فنا را در وی می زدا Δ و نامش را برای ابد در جر مده عالم ثبت می کند.

هرگز نه رد آنکه دلش زنده شد به عشق
شیوه تنهایی داده

اکنون می خواهیم بدانیم کسی می تواند بر فردی مثل حافظ اثر بگذارد و اساساً انسان کامل در عصر حافظ چه کسی به داده است؟

آمّا خ شهر که الگوی عوام به عنوان یک انسان کامل بوده اند می توانستند الگوی حافظ باشند؟ به طور آن پاسخ منفی است.

نشان اهل خدا عاشقی است با خود دار
که در مشا خی شهر این نشان نمی دنیم

نشان انسان کامپیوچر و دلسان حافظه (مد خدا) عاشق است و خواهجه عشه، داد دد مشا بخ شهر نمایند.

زاهد ظاهرب نه ز از نمادهای منفی شعر حافظ است. زاهد فقط به ظاهر می نگرد و از باطن و نهانخانه دل بی خبر است.
زاهد ظاهرب پرست از حال ما آگاه نه سست

د حة ما هوجه گو د حای ه جا اکه

چنانچه پ دادست، حافظ زاهد را به عنوان راهبر نمی پزد، معشوق حافظ از خاک بوجود آمد، ولی به آن دلستگی ندارد و به عبارتی، رنگی، از تعلق بر خوش ندارد.

غلام ہمت آنہ کہہ، حنخ کوہ

ز هر چه رنگ تعلق پذ رد آزاد است

پس محبوب حافظ باشد، استاد مطهری، رحمة الله علیه، در شرح انسان کامل می‌گوید: «انسان، مانند بس اری از چهای دیگر کامل و غیر کامل دارد و شناخت انسان کامل و انسان نمونه از ددگاه اسلام، از آن نظر برای ما اهم تر دارد که اگر بخواهیم که مسلمان کامل باشیم، با بددازیم که انسان کامل چگونه است و سه مای معنوی انسان کامل چه مشخصاتی دارد، تا در پرتوانی شناخت بتوازن خود و جامعه خود را آنگونه بسازیم. انسان کامل در اسلام یک انسان است که آن وجود نیست، بلکه وجود نی دارد.»

استاد مطهری، پ خمیر اکرم، صلی اللہ علیہ وآلہ، را به عنوان کن نمونه انسان کامل و بعد از ا شان حضرت امام علی،

علٰی السلام، را به عنوان نمونه د گر معرفی می نماید.

استاد ادامه می دهد:

«عقل، عشق، محبت، عدالت، خدمت و آزادی از انواع ارزش‌های انسانی هستند، حال کدام انسان، انسان کامل است، او که فقط عابد محض است؟ اعاشق محض؟ عادل محض؟ و... نه ه چکدام، انسان کامل نیست، انسان کامل انسانی است که همه این ارزشها، [در حد اعلیٰ] و [هماهنگ با] کد گر در او رشد کرده باشد و علی، علٰی السلام، چنین انسانی است.»³

انسان کامل در شعر حافظ

استاد مطهری در کتاب آنه جام، ابی اتنی را تحت عنوان انسان کامل در شعر حافظ گردآوری نموده است، که از آن

جمله اند:

گرچه ش ر ن دهنان پادشاهانند، ولی
او سله مان زمانست که خاتم با اوست

در احادیث شیاهتهای فراوانی برای آن حضرت با ابی اذکر شده است و از آن جمله در شیاهت آن حضرت بالله مان، علٰی السلام، آمده است: بادها به اذن خداوند مسخر وی می گردند و سلطنت او بر تمام زمین گسترده خواهد شد و ام ر مؤمنان در این رابطه می فرماید:

«نخست ن کاری که قائم در انتظاک ۴ انجام می دهد این است که تورات را از خاری؛ رون می آورد که عصای موسی و انکشتر سله مان در آن است.»⁴

و زمی فرماید:

«در بیت المقدس، تابوت سکنه و [انکشتر سله مان] والواحی را که بر موسی نازل شده؛ رون می آورد.»⁵

همچنین امام صادق، علٰی السلام، می فرماید:

«عصای موسی و انکشتر سله مان در دست او خواهد بود.»⁶

تو خود چه لعبتی ای شهسوار ش ر ن کار
که در برابر چشمی و غایب از نظری
ام ر مؤمنان در این رابطه می فرماید:

«هنجامی که امام غایب از دیده ها پنهان شود و مردم از غایب است او از حد شرع؛ رون روند، توده مردم خال می کنند
که حجت خدا از بیان رفته و امامت باطل شده است. سوگند به خدای علی در چنین روزی «حجت خدا در همان آنهاست» در کوچه و بازار آنها گام بر می دارد و بر خانه های آنها وارد می شود و در شرق و غرب عالم به ساخت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود بر اجتماعات آنها وارد شده سلام می فرمایند...»⁷

در این شب سه اهم گمگشت راه مقصود
از گوشه ای برون آمده ای کوکب هدایت
روایت ز ربا مصروف بیت مذکور مطابق است.

امام زین العابدین، علٰی السلام، می فرماید:

«فتحه های چون امواج تاریک شب بر آنها هجوم می آورد که کسی از آنها رهای نمی ابد، بجز افرادی که خداوند از آنها پنهان گرفته است، آنها شعله های هدایت و سرچشمه های دانش و فضل ملت هستند، که خداوند آنها را از هر فتحه که نجات می دهد.»⁸

حاصل آنکه بیت اد شده از حافظ برگرفته از واقعه اتنی است که در متن احادیث نقل است: خواجه ش را در شرایط نابسامان جامعه در جستجوی کوکب هدایت، حضرت مهدی موعود، عجل اللہ تعالیٰ فرجه، است تا از طرق وی به حقاً ق دست ابد.

هواخواه توأم جانا و می دانم که می دانی
که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی
پا امیر اکرم، صلی اللہ علیه وآلہ، می فرماید:

«ذکان عترت من، و پاکان بستان من، در کودکی حکم ترین مردمان، و در بزرگی داناترین آنان هستند. آگاه باشد که ما خاندانی هستیم که از علوم خدا به ما تعلیم شده است و از حکمت خدا به ما عطا شده، و از صادق مصدق فراموشی گرفته می باشیم.»⁹

آری آن حضرت خزانه دار علوم الهی است و اسرار الهی را از صادق مصدق فراموشی گرفته و به همین علت از اسرار درونی خواخواهان خود مطلع است.

ادامه دارد
پی نوشتها:

- × برگرفته از کتاب: دلبری برگز ده آم، مجتبی معظمی و ۲. مجموعه ورآم «آداب و اخلاق در اسلام»، ج اول.
- . انسان کامل، ص ۵۱.
- . بشاره‌الاسلام، ص ۲۵۳.
- . الزام الناصب، ص ۲۰۲.
- . منتخب الاثر، ص ۲۲۱.
- . بشاره‌الاسلام، ص ۳۷.
- . غ بیت نعمانی، ص ۸۴.
- . منتخب الاثر، ص ۱۵۱.

ماهنامه موعود شماره ۲۵

قسمت دوم

همانگونه که ذکر شد، مهدویت و نوید ظهور مصلح غیری در اسلام بسیار قدر می‌ورزش دارد است، لیکن نباشد غافل بود که این امر اختصاص به شخصیان ندارد، بلکه این اعتقاد در همان عامه مسلمان وجود دارد و همچنین این دلیل مگر نزد ظهور آن حضرت را قطعی می‌دانند، ولی هر کدام، از این منجی، به گونه‌ای تعبیر کرده‌اند. حافظه درباره خوبیت آن حضرت می‌گویند:

ازدست خوبیت تو شکایت نمی‌کنم

تا ذست خوبی نبود لذت حضور این در جای دلیل مگر:

ای غایب از نظر به خدا می سپارمت

جانم بسوختی و به جان دوست دارمت امام رضا، علیه السلام، درباره غایبت آن حضرت چند نمی فرماد: چهارم ن فرزند من، خداوند او را در پشت پرده غایب پنهان می سازد. تا وقتی که خود می خواهد.^۱

در کتاب مجموعه زندگی چهارده معصوم آمده است: عارف نامی حافظ شد راز که به زارت جان باهرالنور امام زمان، عجل اللہ تعالیٰ فرجه، تشرف حاصل کرده است، شرعاً طرز ارت حجت عصر را چند نم وصف می کند:

در خرابات مغان نور خدا می بدم

اً ن عجب بـ نـ کـهـ چـهـ نـورـیـ زـکـجاـ مـیـ بـ نـ

جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو

خانه می بـ نـ وـ منـ خـانـهـ خـداـ مـیـ بـ نـ

خواهم از زلف بتان نافه گشایی کردن

فکر دورست همانا که خطای بـ نـ استاد علی دوانی در کتاب شوق مهدی مطلبی را درمورد حافظ و حضرت مهدی آورده است:

در اشعار هجج که از شاعران بزرگ غایب حافظ نمی بـ نـ هـ کـهـ تـاـ ۱ـ نـ حـدـ اـ بـ اـتـیـ منـاسـبـ باـ اـعـتـقـادـ شـهـ اـنـ درـبـارـهـ اـمـامـ زـمـانـ،ـ عـلـیـهـ السـلامـ،ـ آـمـدـهـ بـاـشـدـ وـ تـقـرـ بـاـ کـمـتـرـ غـزـلـیـ اـسـتـ کـهـ بـ تـیـ ۱ـ بـ اـتـیـ اـزـ آـنـ منـاسـبـ باـ وـصـفـ حـالـ اـمـامـ غـایـبـ اـزـ نـظـرـ نـبـاشـدـ.

لسان الله بـ درـ غـزلـهـایـ شـورـانـگـ زـ خـودـ بـارـهـ سـرـودـهـ اـسـتـ:

روی بـنـماـ وـ وجـودـ خـودـمـ اـزـ اـدـ بـیرـ

خرمن سـوـختـگـانـ رـاـ هـمـهـ گـوـ بـادـ بـیرـ

اشـکـمـ اـحـرامـ طـوـافـ حـرـمـتـ مـیـ بـنـدـ

گـرـچـهـ اـزـ خـونـ دـلـ رـ شـ دـمـیـ طـاـهـرـ زـ سـتـ

عـمـرـ سـتـ تـاـ بـهـ رـاهـ غـمـتـ روـ نـهـادـهـ ۱ـ هـ

روـیـ وـ رـ اـیـ خـلـقـ بـهـ کـهـ سـوـ نـهـادـهـ ۱ـ هـ

ایـ خـرمـ اـزـ فـرـوغـ رـخـتـ لـالـهـ زـارـ عـمرـ

بـازـآـ کـهـ رـ خـتـ بـیـ گـلـ روـ مـتـ بـهـارـ عـمرـ

ایـ پـادـشـهـ خـوبـانـ دـادـ اـزـ غـمـ تـنـهـاـ یـ

دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآ ی

بنمای رخ که خلقی واله شوند و د ران

بگشای لب که فر اد از مرد و زن برآ د از ا نها جالبتر ا نکه حافظ نام «مهدی» را صر حاً آورده و از ظهور و نابودی «دجال» - مظہر را و تزو رو بدی و پلا بدی - سخن گفته است:

کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل

بگو بسوز که «مهدی» د ن پناه رس د!

شباخت حضرت مهدی به پ امبران الهی در شعر حافظ

در حضرت نشانه ها ی از پ امبران الهی وجود دارد که به احاد ثی در ا ن رابطه اشاره می کند ه:

مهدی قائم از نسل علی بن اب طالب، عل ۴ السلام، است که در اخلاق و اوصاف، شکل و س ما، شکوه و ه بیت چون ۲ سی بن مر ۳ م است. خداوند به همه پ امبران هرچه داده، به او نه ز داده، با اضافاتی.

همچن د در روایت د گری از کتاب اثبات الرجعه فضل بن شاذان از امام صادق، عل ۴ السلام، آورده است²:

ه چ معجزه ای از معجزات انباء و اوصا اذ سنت مگر ا نکه خداوند تبارک و تعالی مثل آن را به دست قائم، عل ۴ السلام، ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند.³

و در حد ث د گری امام صادق، عل ۴ السلام، می فرمایند:

و در آن هنگام که آقای ما قائم، عل ۴ السلام، به خانه خدا تک ۴ زده می گو د: ای مردم هر کس می خواهد آدم و شمش را بی ند، بداند که من نوح و سامی و هر کس که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را بی ند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می باشم، و هر کس می خواهد موسی و وشع را بی ند، من همان موسی و وشع هستم، و هر کس می خواهد سی و شمعون را بی ند من همان سی و شمعون هستم و هر کس می خواهد محمد، صلی الله عل ۴ و آله، و علی، عل ۴ السلام، را بی ند من همان محمد و ام المؤمنه ن، عل همای السلام، هستم و هر کس می خواهد حسن و حسنه ن را بی ند من همان حسن و حسنه نم و هر کس می خواهد امامان از ذر ۴ حسن، عل ۴ السلام، را بی ند بداند که من همان ائمه اطهار هستم، دعوتنم را پید د و به نزد مجمع شو د که هرچه گفته اند و هرچه نگفته اند به شما خبر دهم.⁴

احادیث فوق دلالت دارد که تمام صفات انباء و ائمه، عل همای السلام، در وجود حضرت جمع است و چه خوش گفته اند: «آنچه خوبان همه دارند تو کجا داری».

حافظ ذرا ن نکته را ز با سروده:

حافظ مکن اند شه که آن وسف مه روی

باز آ د و از کعبه احزان به در آ ی

: ۱

گفتند خلا ق که تو ی وسف ثانی

چون ذ ک ب د دم به حق قت به از آنی

ادامه دارد

پی نوشتها:

× برگرفته از کتاب دلبری برگز ده ام ...

. بشاره الاسلام، ص 51.

. روزگار رهایی، ج 1، ص 130.

. غ بیت نعمانی، ص 13.

. همان.

ماهنامه موعود شماره 26